

Co-Assessing Factors and Obstacles of ISIS Success in Pakistan

Seyed Ahmad Fateminejad*

Assistant Professor, Ferdowsi University of Mashhad (FUM), a.fatemi@um.ac.ir

Abstract

Objective: After the rise of ISIS in Iraq and Syria, it seems that Pakistan is the normal destination of the group enlargement. This is why Pakistan not only has significant Muslim population but also subjects to political instability whether religious conflict or military coup d'état. So, the article aims to assess real ratio of ISIS influence in Pakistan.

Method: It seems that simultaneous co-assessing factors and obstacles of ISIS success in the country and comparing them to each other could be helpful to evaluate real threat of ISIS for Pakistan. The hypothesis will be tested by descriptive-comparative method. The base of the testing is theoretical model of Justin George on connection between terrorism and failed states.

Results: Findings show that it is impossible to consider Pakistan as a normal destination for ISIS. But the group is subject to serious barriers in the country.

Conclusion: regarding the Pakistan situations, it is possible to conclude that different factors including US-Afghanistan's Taliban talks, agreements between Iran and Pakistan on cross-borders terrorism, and tensions in Indo-Pak relations would alter ISIS circumstances in Pakistan.

Keywords: Pakistan, ISIS Threat, Radical Groups

هم‌سنجی عوامل و موانع موفقیت داعش در پاکستان

سیداحمد فاطمی نژاد

استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد؛ *a.fatemi@um.ac.ir

چکیده

هدف: با ظهور داعش در عراق و سوریه، به نظر می‌رسد که پاکستان نیز مقصد طبیعی گسترش این گروه است. زیرا نه تنها جمعیت مسلمان قابل توجهی دارد بلکه اغلب با نوعی بی‌ثباتی سیاسی اعم از منازعه مذهبی یا کودتای نظامی نیز مواجه است. از این رو، هدف مقاله حاضر بررسی ضریب نفوذ واقعی داعش در پاکستان است.

روش: به نظر می‌رسد که با هم‌سنجی همزمان عوامل و موانع موفقیت داعش در پاکستان و مقایسه آنها با همدیگر می‌توان ضریب نفوذ و تهدید واقعی داعش در پاکستان را سنجید. برای آزمون فرضیه بالا، از روش توصیفی-مقایسه‌ای استفاده می‌شود. یعنی تک تک عوامل و موانع موفقیت داعش توصیف شده و با یکدیگر مقایسه می‌شود. مبنای این سنجش، الگوی نظری جاستین جرج در باب رابطه تروریسم و دولت‌های ورشکسته است.

یافته‌ها: یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که نمی‌توان پاکستان را مقصد طبیعی داعش تلقی کرد بلکه این گروه با موانع جدی برای نفوذ در این کشور مواجه است.

نتیجه‌گیری: با توجه به شرایط جاری می‌توان به این نتیجه رسید که علاوه بر نیت‌ها و فعالیت خود داعش، عواملی نظیر مذاکرات طالبان افغانستان با امریکا و سایر کشورهای ذینفع، توافق‌های پاکستان و ایران برای مقابله با تروریسم فرامرزی، و تشدید تنش در روابط هند و پاکستان با توجه به وقایع تروریستی در کشمیر نیز می‌تواند شرایط این گروه در پاکستان را تحت تأثیر قرار دهد.

واژگان کلیدی: پاکستان، تهدید داعش، گروه‌های افراطی.

۱- مقدمه

با ظهور داعش در عراق و سوریه، به نظر می‌رسید که پاکستان نیز مقصد طبیعی گسترش این گروه است، زیرا نه تنها جمعیت مسلمان فراوانی دارد، بلکه اغلب با نوعی بی‌ثباتی سیاسی اعم از منازعه مذهبی یا کودتای نظامی نیز مواجه است، اما گسترش داعش به کشوری که پر از سازمان‌های جهادگرا است با موانع متعددی مواجه می‌شود، زیرا از نظر ایدئولوژیک، جهت‌گیری سلفی داعش به همراه تمایلات ضدغربی و ضدشیعی آن برای پاکستانی‌ها تازگی ندارد. علاوه بر این، اصطکاک بین داعش و رقبایش در منازعات مکرر بین این گروه و شاخه‌های افغانستانی و پاکستانی طالبان نیز مشهود است (Rani, 2016: August 31). پس می‌توان گفت علاوه بر عواملی که باعث تسهیل حضور داعش در پاکستان می‌شود، موانعی نیز در این زمینه وجود دارد. این امر باعث تضاد عمیقی بین رویکرد سیاست‌مداران و پژوهشگران فعال در این حوزه شده است و می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی تقسیم کرد که عبارت‌اند از:

الف) رویکرد فکری نخست هرگونه حضور نظام‌مند و سازمان‌یافته داعش در این منطقه را رد می‌کند. استدلال این رویکرد آن است که بحث نفوذ داعش در میان گروه‌های جهادگرای پاکستان عاری از واقعیت است (Basit, 2017: 19)؛ که به‌طور خاص بخش عمده‌ای از دولت‌مردان و سیاست‌گذاران پاکستان از این رویکرد پیروی می‌کنند؛ بنابراین، هرچند پاکستان نام داعش را به‌عنوان یک گروه تروریست به فهرست گروه‌های ستیزه‌جو اضافه کرده، اما همچنان تهدید داعش را به مرزهای دیورند و افغانستان مرتبط می‌داند (رمضانی بونش، ۱۳۹۶: ۱۱ میزان). طبق این استدلال، چهار عامل اساسی مانع دستیابی داعش به پایگاه قابل‌توجه در پاکستان می‌شود: ۱. داعش از نظر زبانی، فرهنگی و جغرافیایی با پاکستان بیگانه است و این مانع رشد آن در میان جهادگرایان این کشور می‌شود؛ ۲. با وجود جنبش‌های جهادگرای دیرپایی مانند طالبان پاکستان، القاعده و گروه‌های ستیزه‌جوی کشمیر، هیچ فضایی برای رشد داعش در پاکستان وجود ندارد؛ ۳. با توجه به واقعیت‌های بنیادی و منازعات محلی در پاکستان، پروپاگاندا داعش در حمایت از «خلیفه» بسیار ساده‌انگارانه و غیرواقع‌بینانه است؛ و ۴. داعش گروهی است که با ایدئولوژی سلفی - تکفیری و جهادگرای مخصوص به خود تعریف می‌شود درحالی‌که اغلب ستیزه‌جویان پاکستانی پیرو مکتب دیوبندی - حنفی هستند؛ بنابراین، جذابیت محدود ایدئولوژی سلفی - تکفیری - جهادگرایانه در این منطقه نیز مانع جذابیت داعش است (Basit, 2017: 20).

ب) رویکرد فکری دوم ادعا می‌کند که دست‌کم گرفتن تهدید داعش در پاکستان مخاطرات امنیتی بسیار زیادی در پی دارد. طبق این دیدگاه، داعش در میان نسل جدید جهادگرایان پاکستان نوعی مرجعیت پیدا کرده است. این «نسل به‌اصطلاح چهارم» جهادگرایان شامل جوانان عمدتاً تحصیل‌کرده دانشگاهی از طبقات متوسط و زیر متوسط شهری است. علاوه بر این، وجود مناطق فارغ از سیطره حکومت (پناهگاه‌های طبیعی)، عوامل محیطی مناسب برای رشد ایدئولوژی‌های

افراط‌گرا (پناهگاه‌های اجتماعی) و جوانان مناسب برای سربازگیری (پناهگاه جمعیت‌شناختی)، پاکستان را برای داعش بسیار جذاب می‌کند (Basit, 2017: 20).

همان‌طور که پیدا است، استدلال‌های موافقان و مخالفان تهدید داعش برای پاکستان در خور توجه و منطقی می‌کند. در نتیجه، این پرسش مطرح می‌شود که تهدید واقعی داعش در پاکستان به چه شیوه‌ای قابل ترسیم است؟ در پاسخ می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که با هم‌سنجی هم‌زمان عوامل و موانع موفقیت داعش در پاکستان و مقایسه آن‌ها با همدیگر می‌توان تهدید واقعی داعش در پاکستان را نشان داد. برای آزمون فرضیه بالا، از روش توصیفی - مقایسه‌ای استفاده می‌شود.

یعنی تک‌تک عوامل و موانع موفقیت داعش توصیف شده و سپس با یکدیگر مقایسه می‌شود. در ادامه، ابتدا رویکرد جاستین جرج در باب تروریسم و ارتباط آن با ناکامی دولت به‌عنوان چهارچوب نظری مطرح می‌شود. سپس، عوامل موفقیت داعش در پاکستان به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد. قسمت بعدی به موانع نفوذ داعش در پاکستان می‌پردازد. سرانجام، مقایسه عوامل و موانع مذکور به همراه جمع‌بندی مطالب پایان‌بخش این مقاله است.

۲- پیشینه پژوهش

آثاری که در این زمینه وجود دارد اغلب به طور کلی به فعالیت‌های داعش پرداخته‌اند و عمدتاً فعالیت این گروه در حوزه عراق و سوریه مد نظرشان بوده است (بصیری و دیگران، ۱۳۹۶؛ شاهقلیان قهفرخی و رستمی، ۱۳۹۵؛ Johnston & et al., 2016). موارد معدودی نیز که به طور اختصاصی به فعالیت داعش در پاکستان یا افغانستان و افغانستان توجه کرده‌اند، عمدتاً رویکرد توصیفی در پیش گرفته‌اند (Basit, 2017; Zahid, 2017). اما در این مقاله با تمرکز بر شرایط داعش در پاکستان، تلاش می‌شود که با روش مقایسه‌ای میزان تهدید این گروه برای امنیت پاکستان سنجیده شود.

در ادامه، ابتدا رویکرد جاستین جرج در باب تروریسم و ارتباط آن با ناکامی دولت به‌عنوان چهارچوب نظری مطرح می‌شود. سپس، عوامل موفقیت داعش در پاکستان به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد. قسمت بعدی به موانع نفوذ داعش در پاکستان می‌پردازد. سرانجام، مقایسه عوامل و موانع مذکور به همراه جمع‌بندی مطالب پایان‌بخش این مقاله است.

۳- چهارچوب نظری: دولت‌های ورشکسته و تروریسم

تروریسم به کاربرد عمدی خشونت یا تهدید به آن از سوی افراد یا گروه‌های فراملی علیه شهروندان غیرنظامی برای کسب اهداف سیاسی یا اجتماعی از طریق ارعاب عمومی اطلاق می‌شود (George, 2018: 475). با توجه به خطر فزاینده تروریسم، راهبردهای متعددی برای مقابله با آن طرح شده است. راهبردهای اصلی مقابله با تروریسم عبارت‌اند از: الف) تقویت امنیت دولت؛ ب) سرکوب نظامی؛ و ج) آرمان‌های سیاسی. راهبرد اول بر اجرای قوانین اضطراری و

محروم کردن تروریست‌ها از مزیت‌های دموکراتیک دولت‌ها تأکید می‌کند. راهبرد دوم به محروم کردن تروریست‌ها از حمایت‌های مالی شبکه‌ها و دولت‌های حامی تروریسم و همچنین، حمله مستقیم نظامی به اردوگاه‌ها و رهبران تروریست‌ها می‌پردازد. سرانجام، راهبرد سوم به امکان مصالحه با تروریست‌ها و ترغیب آن‌ها به سیاست‌های مبتنی بر قانون اشاره دارد (هیوود، ۱۳۹۶: ۵-۳۹۲).

با وجود این، برخی دولت‌ها فاقد توانایی یا اراده انجام راهبردهای بالا هستند که عمدتاً به‌عنوان دولت ورشکسته (Failed)، فروپاشیده (Collapsed)، یا شکننده (Fragile) از آن‌ها یاد می‌شود.^۱ بعد از حملات یازدهم سپتامبر، ناکامی دولت به یکی از موضوعات مهم در مطالعات امنیت جهانی تبدیل شده است. دلیل اصلی توجه فزاینده به دولت‌های ورشکسته این است که تروریست‌های بین‌المللی می‌توانند از شرایط جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این دولت‌ها برای سربازگیری، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، و تأمین بودجه عملیات خود استفاده کنند. کشورهایی که نمی‌توانند قلمرو خود را اداره کنند یا کنترل کمی بر سرزمین‌های خود دارند عملاً به تروریست‌ها اجازه می‌دهند که نیروهای خود را جابجا کرده، آموزش داده و دست به توطئه بزنند. همچنین، سازمان‌های تروریستی در دولت‌های ورشکسته می‌توانند جوانان را تشویق کنند که با همتایان خود در سراسر جهان رابطه برقرار کرده و بخشی از جنبش جهانی تروریسم شوند (George, 2018: 472).

بنابراین، به نظر می‌رسد که بین ورشکستگی دولت و تولید و میزبانی تروریسم فراملی رابطه وجود دارد؛ یعنی دولت‌های ورشکسته از پتانسیل بالاتری برای تولید و میزبانی تروریست‌های بین‌المللی برخوردارند، اما باید دقت کرد که دو عامل مهم در این رابطه تأثیرگذارند: نخست، قرابت تروریست‌ها با هدف یکی از عوامل مهمی است که تحقق و موفقیت هرگونه حمله تروریستی را تعیین می‌کند. دوم، فقدان اقدامات ضدتروریستی در دولت‌های ورشکسته، خواه به علت ناتوانی و خواه به علت نخواستن، عامل مهمی در انجام حملات تروریستی است (George, 2018: 473).

در مجموع، تروریسم یکی از تهدیدات امنیتی اصلی در شرایط جاری است. راهبردهای متعددی برای مقابله با این تهدید وجود دارد که عمدتاً مجری آن دولت‌ها هستند. برخی دولت‌های موسوم به شبه‌دولت (Quasi-State) یا دولت‌های ورشکسته توانایی یا اراده انجام این راهبردها را نداشته و باعث تسهیل عملیات تروریستی می‌شوند. در این شرایط، طبق رویکرد جاستین جرج، دو عنصر قرابت تروریست‌ها با هدف و اقدامات ضدتروریستی دولت در تعیین میزان نفوذ و تهدید

۱. البته لازم به ذکر است که اغلب نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران پاکستان را (که در این مقاله مدنظر است) دولت ورشکسته تلقی نمی‌کنند، اما در ادامه نشان داده می‌شود که این کشور نیز نشانه‌های ناکامی دولت را دارد.

تروریست‌ها نقش دارند. در ادامه با استفاده از این چهارچوب، ضریب نفوذ و تهدید واقعی داعش در پاکستان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴- عوامل موفقیت

با توجه به بحث‌های نظری بالا، نخستین پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا اقدامات ضدتروریستی دولت پاکستان در برخورد با داعش موفق بوده است یا خیر، و اگر این اقدامات موفق نبوده است نشان ورشکستگی و ضعف این دولت است یا عدم اراده آن؟ دومین پرسشی که در همین چهارچوب مطرح می‌شود این است که آیا داعش با جامعه پاکستان قرابت دارد یا خیر، و اگر قرابت دارد این امر چه نقشی در عملیات و نفوذ آن در کشور مذکور داشته است؟ به نظر می‌رسد که محیط آماده پاکستان برای تبلیغات جهادگرایانه به همراه موفقیت‌های جهانی داعش به لحاظ عضوگیری و عملیات باعث شد که این گروه با زحمت اندک به دستاوردهای چشمگیری در پاکستان دست یابد که می‌توان آن را نوعی پیروزی بزرگ برای این گروه تلقی کرد. مهم‌ترین دلایل این پیروزی عبارت‌اند از:

الف) فترت تحریک طالبان پاکستان

داعش تقریباً در زمانه‌ای ظهور یافت و به شهرت رسید که سازمان‌های جهادگرای محوری در پاکستان به دلایل متعدد رو به فترت گذاشته و تضعیف شده بودند. در پاکستان سازمان‌های جهادگرای متعددی در حال فعالیت هستند که تعداد آن بعضاً بین ۴۰ تا ۲۰۰ سازمان ذکر شده است (در مورد وضعیت فعالیت مهم‌ترین این سازمان‌ها به جدول ۱ رجوع کنید)، اما در بین آن‌ها، سازمان‌های القاعده و تحریک طالبان پاکستان از جایگاه مهم‌تری برخوردارند که اولی عمده‌تاً جهان‌شمول است و دومی عمده‌تاً محلی‌گرا. در این بین، یکی از عوامل ضعف هر دو سازمان مذکور، سختگیری ارتش پاکستان و فرار اعضای مؤثر آن‌ها بود. علاوه بر این، عاملی که به القاعده آسیب زد فقدان رهبری کاریزما نظیر بن‌لادن بود و تحریک طالبان پاکستان از انشقاق و اختلاف سران رنج می‌برد. با توجه به اینکه موضوع بحث در اینجا پاکستان است، در ادامه، وضعیت تحریک طالبان پاکستان مصادف با ظهور و گسترش داعش در این کشور بررسی می‌شود.

دیدگاه‌های متعددی در مورد علت ضعف تحریک طالبان پاکستان به‌عنوان بزرگ‌ترین گروه دولت‌ستیز این کشور ذکر شده است. برخی آن را ناشی از فشارهای داعش می‌دانند (Zaidi, 2016: 16) در حالی که سایرین داعش را ناجی تحریک طالبان پاکستان می‌دانند، زیرا می‌تواند الگویی برای ادامه حیات آن باشد (Pakistan Institute for Peace Studies, 2014: 45). طبق دیدگاه اخیر، ضعف تحریک طالبان پاکستان در سال ۲۰۱۴ نه به خاطر فشار داعش، بلکه به دلیل اختلافات داخلی و عملیات نظامی ارتش در وزیرستان شمالی و خیبر پختونخوا^۱ بود. علاوه

1. Khyber Pakhtunkhwa

بر این، انشعاب بزرگی در تحریک طالبان پاکستان تحت رهبری خان سعید سبنا (Khan Said Sajna) اتفاق افتاد (11: 2014, Pakistan Institute for Peace Studies).

در این بین، به نظر می‌رسد اختلافات داخلی در تحریک طالبان پاکستان نقش مهمی در تضعیف این گروه و گرایش به داعش داشته است. به عبارت دقیق‌تر، یکی از عوامل گرایش به داعش در افغانستان و پاکستان، اختلاف میان افراطیون و میانه‌روهای طالبان بود؛ که باعث گرایش افراطیون به داعش شد. گرایش دسته‌های تندرو طالبان به داعش باعث تسهیل عضوگیری این گروه در افغانستان و پاکستان و تبلیغ آن در این جهت بود (عالیشاهی و دیگران، ۱۳۹۶). اختلاف میان رهبران تحریک طالبان پاکستان بعد از کشته شدن حکیم‌الله محسود^۱ شروع شد. پس از آن، جناح‌های سبنا و شهریار محسود تحریک طالبان پاکستان روی انتساب فضل‌الله به‌عنوان رهبر جدید این گروه، درگیر شدند. در همین حین دو مشکل اساسی دیگر نیز پیدا شد. نخست اینکه، عمر خالد، دستیار کلیدی فضل‌الله، در ماه اوت ۲۰۱۴ گروهی به رهبری خود به نام «جماعت‌الاحرار» را ایجاد کرد؛ و دوم اینکه، شاهدالله شاهد سخنگوی تحریک طالبان برخلاف نظر فضل‌الله رهبر این گروه در اکتبر همین سال از داعش حمایت کرد (ختک، ۱۳۹۳: ۷ عقرب). با این وضعیت، تحریک طالبان پاکستان که چتر سایر سازمان‌های اسلام‌گرا محسوب می‌شد دچار بحران اساسی شد و فضا برای رشد داعش فراهم شد.

جدول ۱. فهرست گروه‌های تروریستی، شورشی و افراط‌گرای پاکستان

گروه‌های تروریستی / افراط‌گرای ممنوع‌الفعالیت	گروه‌های تروریستی / شورشی فعال	گروه‌های تروریستی / افراط‌گرای غیرفعال
سپاه صحابه پاکستان (Sipah-e-Sahaba Pakistan) تحریک نفاذ شریعت محمدی (Tehreek-e-Nafaz-e-Shariat-e-Mohammadi) لشکر جهنگوی (Lashkar-e-Jhangvi) سپاه محمد پاکستان (Sipah-e-Muhammad Pakistan) تحریک جعفریه پاکستان (Tehreek-e-Jaferia Pakistan) لشکر طیبه (Lashkar-e-Toiba) جیش محمد مجاهدین تنظیم (Jaish-e-Muhammad Mujahideen E-Tanzeem) ربینه ترست (Rabita Trust) الرشید ترست (Al-Rashid Trust) الاکثر ترست (Al-Akhtar Trust) تحریک جهاد اسلامی (Tehrik-e-Islami)	تحریک طالبان پاکستان (Tehreek-e-Taliban Pakistan) حزب المجاهدین (Hizb-ul-Mujahideen) حرکت الانصار (Harkat-ul-Ansar)؛ که در حال حاضر به حرکت المجاهدین مشهور است. حرکت المجاهدین (Harkat-ul-Mujahideen) البدر (Al Badr) جماعت المجاهدین (Jamait-ul-Mujahideen) لشکر جبار (Lashkar-e-Jabbar) حرکت الجهاد الاسلامی (Harkat-ul-Jehad-al-Islami) شورای متحده جهاد (Muttahida Jihad Council) البرق (Al Barq) تحریک المجاهدین (Tehrik-ul-Mujahideen) ارتش آزادی‌بخش ملی جامو و کشمیر (Jammu & Kashmir National Liberation Army) حزب مردم (People's League) نیروی جانباز مسلمان (Muslim Janbaz Force) نیروی جهاد کشمیر (Kashmir Jihad Force) نیروی الجهاد (Al Jihad Force)؛ که متشکل از نیروی جانباز مسلمان و نیروی جهاد کشمیر است. مجاهدین العمر (Al Umar Mujahideen)	لشکر عمر (Lashkar-e-Omar) جماعت الفقرا (Jamaat-ul-Fuqra) نادیم کماندو (Nadeem Commando) جبهه مردمی مقاومت مسلح (Popular Front for Armed Resistance) ارتش متحد مسلمان (Muslim United Army) حرکت المجاهدین العالمی (Harkat-ul-Mujahideen Al-alami) الجهاد (Al Jihad) امه تعمیر ناتو (Ummah Tamir-e-Nau) اسلام انقلابی مهاز (Islami Inquilabi Mahaz) جنگجویان آزادی‌بخش المصطفی (Al Mustafa Liberation Fighters)

1. Hakimullah Mehsud

مه‌از آزادی (Mahaz-e- Azadi) جماعت طلاب اسلامی (Islami Jamaat-e- Tulba) جبهه آزادی‌بخش دانشجویان جامو و کشمیر (Jammu & Kashmir Students Liberation Front) اخوان‌المجاهدین (Ikhwan-ul- Mujahideen) حزب دانشجویان اسلامی (Islamic Students League) تحریک حریت کشمیر (Tehrik-e- Hurriat-e- Kashmir) مجاهدین مسلمان (Muslim Mujahideen) نیروی‌المجاهد (Al Mujahid Force) ارتش جمهوری‌خواه بلوچ (Baloch Republican Army)	تحریک نفاذ فقه جعفریه (Tehrik-e- Nifaz-e- Fiqar Jafaria)
منبع: http://www.satp.org/terrorist-groups/pakistan	

ب) همراهی و بیعت برخی گروه‌های افراطی با داعش

ضعف تحریک طالبان پاکستان و انشعاب گروه‌های متعدد از آن باعث شد که برخی از این گروه‌ها به همراه برخی از گروه‌های تندروی که از قبل در پاکستان فعالیت می‌کردند، با داعش همراه شوند. این همراهی به معنای آن بود که داعش در پاکستان مجهز به بازوی عملیاتی شده و می‌تواند در این کشور ایده‌هایش را عملی سازد. حتی یکی از مشوق‌های فعالیت این گروه در افغانستان نیز برخوردار از حمایت گروه‌های افراطی پاکستان است (عالیشاهی و دیگران، ۱۳۹۶). در مقابل، چون داعش در سطح جهانی مطرح شده است، دستاوردهای آن برای سازمان‌های افراط‌گرا و ستیزه‌جوی پاکستان الهام‌بخش است (Zaidi, 2016: 16). پس می‌توان گفت از یک طرف فعالیت داعش در پاکستان متکی بر حمایت گروه‌های افراطی این کشور است و از طرف دیگر، موفقیت‌های داعش باعث انگیزه یافتن گروه‌های افراطی پاکستان برای فعالیت می‌شود.

سازمان‌های ستیزه‌جو در پاکستان از نظر ابزار، جمعیت و جغرافیا با هم متفاوت‌اند، اما اغلب آن‌ها از دستورکارها و اهداف مشابهی نظیر تحول جامعه بر طبق ایدئولوژی خود، اجرای قانون شریعت، ایجاد نظام خلافت، و دستیابی به اهداف ایدئولوژیک و استراتژیک پاکستان از طریق نظامی، تأثیر می‌پذیرند. در این شرایط، داعش نیز مانند دیگر سازمان ممنوع‌الفعالیت در پاکستان یعنی حزب التحریر (Hizb-ut-Tahrir) است (Zaidi, 2016: 15-16). یعنی هرچند داعش در پاکستان ممنوع‌الفعالیت است، اما می‌تواند با سایر گروه‌ها همکاری کرده و اهداف خود را پیگیری کند. مهم‌ترین گروه‌های پاکستانی که با داعش همراه شده و بعضاً بیعت کرده‌اند عبارت‌اند از:

نخست، لشکر جهنگوی: لشکر جهنگوی یک سازمان سنی‌مذهب، ضدشعیبی و فرقه‌گرا است که با القاعده در رابطه بوده است (Zaidi, 2016: 14). این گروه تاکنون مسئولیت چندین حمله تروریستی به‌ویژه علیه شیعیان در کوئته را بر عهده گرفته است. پس از اعلام حضور داعش در پاکستان، لشکر جهنگوی به صورت مقطعی و تاکتیکی با آن متحد شده است (Basit, 2017: 19). داعش با کمک گروه‌هایی نظیر لشکر جهنگوی در حال افزایش نفوذ خود در پاکستان است (خبرگزاری العالم، ۱۳۹۷: ۱۳ خرداد).

دوم، جماعت‌الاحرار: همان‌طور که در بالا بیان شد، گروه جماعت‌الاحرار دسته‌ای از تحریک طالبان پاکستان هستند که از آن منشعب شدند. جماعت‌الاحرار به رهبری عمر خالد خراسانی در سپتامبر ۲۰۱۴ با داعش اعلام بیعت کرد، اما چند ماه بعد در مارس ۲۰۱۵ مجدداً به رهبری ارشد طالبان پاکستان اعلام وفاداری کرد (Ahmed & Johnson, 2016: March 28)؛ بنابراین، هرچند یکی از عوامل اصلی انشعاب جماعت‌الاحرار، تأثیرپذیری از داعش بود، اما به صورت مقطعی و تاکتیکی با آن متحد شده است (Basit, 2017: 19). قطعاً گروه‌های ستیزه‌جوی همراه با داعش مانند جماعت‌الاحرار در پی گسترش همکاری عملیاتی با داعش هستند (Pakistan Institute for Peace Studies, 2016: 75).

سوم، تحریک خلافت: گروه تحریک خلافت اولین گروه افراطی پاکستان است که با داعش بیعت کرده است (Basit, 2017: 19). این گروه پس از بیعت با داعش در تاریخ ۹ ژوئیه ۲۰۱۴ به عملیات خود شدت بخشید (Basit, 2017: 32).

چهارم، جندالله: جندالله نیز از معدود گروه‌های جهادگرای پاکستانی است که در ۱۸ نوامبر ۲۰۱۴ با داعش بیعت کرده است (Basit, 2017: 32). این گروه در ابتدا عده‌ای از ایرانیان سنی تبعیدی بودند که می‌خواستند نظام شیعی ایران را براندازند، اما به‌مرور زمان فعالیت خود را در پاکستان متمرکز کردند (Sheikh, 2017: 42). در نوامبر ۲۰۱۴، هیئت نمایندگی سه‌نفره داعش به رهبری الزبیر الکویتی وارد ایالت بلوچستان شدند و با رهبران گروه منشعب از طالبان پاکستان به نام جندالله ملاقات کردند. طبق گفته سخنگوی جندالله به اسم فهد مروت، هدف از این ملاقات، تلاش برای اتحاد گروه‌های ستیزه‌جوی پاکستانی بوده است. شش روز بعد از این ملاقات، جندالله با داعش بیعت کرد (Basit, 2017: 24). جندالله و سایر گروه‌های منشعب از تحریک طالبان پاکستان به دلیل اختلافات داخلی بر سر بیعت با داعش ظهور کردند (Zaidi, 2016: 14).

پنجم، شاخه باجور طالبان پاکستان یا طالبان باجور: طالبان باجور نیز از جمله گروه‌های انشعابی تحریک طالبان پاکستان است که برخی از همراهی آن‌ها با داعش سخن گفته‌اند (Zahid, 2017: 9) و برخی از بیعت آن‌ها در ۹ آوریل ۲۰۱۵ (Basit, 2017: 32). طالبان باجور از جمله گروه‌های فعال تحریک طالبان پاکستان بود که سرانجام به خاطر همراهی با داعش از این گروه جدا شد. ششم، لشکر اسلام: یکی از گروه‌های افراطی فعال در خیبر پختونخوا و مناطق قبایلی پاکستان است. این گروه نیز از جمله سازمان‌های افراطی پاکستان است که به صورت مقطعی و تاکتیکی با داعش متحد شد (Basit, 2017: 19). این گروه در سال ۲۰۰۴ شکل گرفت و در سال ۲۰۱۵ به تحریک طالبان پاکستان پیوست.

هفتم، طالبان منطقه مرکزی: یکی از گروه‌های منشعب از تحریک طالبان پاکستان که با داعش بیعت کرده است (Basit, 2017: 26). طالبان مرکزی نیز از جمله شاخه‌های بسیار فعال طالبان

بودند که به کرات مورد تهاجم ارتش پاکستان قرار گرفته‌اند. این گروه نیز در زمره افراطیون تحریک طالبان پاکستان قرار می‌گرفتند و سرانجام از آن منشعب شدند.

هشتم، گروه شاهدالله شاهد: گروه شاهدالله شاهد نیز از تحریک طالبان پاکستان منشعب شد و در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۴ با داعش بیعت کرد (Basit, 2017: 32). شاهد که مشهور به شیخ مقبول نیز بود سپس به دولت اسلامی خراسان (شاخه خراسان داعش) پیوست و در ننگرهار افغانستان با حمله پهپادهای امریکایی در ژوئیه ۲۰۱۵ به هلاکت رسید.

نهم، برخی شاخه‌های منشعب از جماعت الدعوه: جماعت الدعوه یکی از گروه‌های اسلام‌گرای پاکستان است که از پیوستن اعضای خود به داعش ناراضی است، اما این مانع پیوستن اعضای آن به داعش نمی‌شود (Zaidi, 2016: 15). حتی در برخی از موارد، اعضای این گروه به صورت دسته‌جمعی به داعش پیوسته‌اند. برای مثال، در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ دو شبکه تروریستی که از جماعت الدعوه جدا شده و به داعش پیوسته بود به ترتیب در لاهور و سیالکوت متلاشی شد (Basit, 2017: 22).

دهم، جنبش اسلامی ازبکستان: جنبش دیگری که در پاکستان فعالیت می‌کند و با داعش متحد شده است، جنبش اسلامی ازبکستان است. هدف این گروه استقرار دولت اسلامی در ازبکستان است و قبلاً با القاعده همکاری می‌کرد. این گروه در برنامه‌های داعش از جایگاه بالایی برخوردار است، زیرا یکی از اهداف داعش گسترش فعالیت به آسیای مرکزی است و جنبش اسلامی ازبکستان می‌تواند در این زمینه یاری‌گر داعش شود. با این حال، جنبش اسلامی ازبکستان پس از برخورد این گروه با طالبان افغانستان در نوامبر ۲۰۱۵ و بروز اعتراضات داخلی در آن نسبت به همراهی با داعش تا حدودی تضعیف شده است (Sheikh, 2017: 42). جنبش اسلامی ازبکستان در ۶ اکتبر ۲۰۱۴ با داعش بیعت کرد (Basit, 2017: 32).

یازدهم، گردان التوحید (Al-Tawhid Battalion) خراسان: گردان التوحید از جمله گروه‌های تروریستی پاکستان است که در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۴ با صدور اطلاعیه‌ای با داعش بیعت کرد (Basit, 2017: 32). این گروه محل فعالیت خود را در افغانستان و پاکستان اعلام کرده است. این گروه نیز از جمله شاخه‌های منشعب از تحریک طالبان پاکستان است.

دوازدهم، رهبران مجاهدین خراسان: این گروه از جمله سازمان‌های جهادی پاکستان است که در تاریخ ۱۰ ژانویه ۲۰۱۵ از داعش اعلام حمایت کرد (Mohamedou, 2018: 115-6).

سیزدهم، سپاه صحابه: همان‌طور که در جدول ۱ مشخص است، سپاه صحابه پاکستان از جمله سازمان‌های ممنوع فعالیت این کشور است که با داعش همراهی کرده است (عالیشاهی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷۷؛ Sheikh, 2017: 42). این سازمان که معتقد به سنت دیوبندی است در سال ۱۹۸۵ از سازمان جماعت الامت اسلام جدا شد و یکی از مهم‌ترین اهدافش مقابله با شیعیان و گسترش تشیع در پاکستان است. این گروه رابطه نزدیکی با لشکر جهنگوی دارد.

چهاردهم، دولت اسلامی خراسان (ISK): همان‌طور که در بالا بیان شد، دولت اسلامی خراسان یا ولایت خراسان یا داعش خراسان از جمله سازمان‌هایی است که کاملاً تحت تأثیر ظهور داعش شکل گرفته است. برخلاف اغلب گروه‌های قبلی، این گروه سعی می‌کند مانند یک سازمان میانجی اغلب سازمان‌های جهادگرای پاکستان و افغانستان را در برگیرد و در این زمینه از طالبان الگو گرفته است. هرچند دولت اسلامی خراسان در ولایت‌های متعدد افغانستان پیرامون کنر و ننگرهار حضور فعالی دارد، اما نفوذش در پاکستان محدود است؛ البته این گروه به اهداف پاکستانی در افغانستان مانند کنسولگری آن در جلال‌آباد حمله کرده است (Sheikh, 2017: 38).

علاوه بر گروه‌های بالا، افراد یا شاخه‌هایی از لشکر طیبیه، تنظیم نفاذ شریعت محمدی، و تحریک طالبان پاکستان نیز به داعش پیوسته‌اند (Sheikh, 2017: 43). در مورد القاعده و تحریک طالبان پاکستان نیز وضعیت متفاوت است. القاعده به دنبال پرهیز از رقابت با داعش خراسان است و برخلاف طالبان، با این گروه درگیر نشده است (Pakistan Institute for Peace Studies, 2017: 177). حتی به نظر می‌رسد که حجم و گستره حملات تروریستی داعش باعث شده است که این گروه از القاعده پیشی بگیرد (Hegghammer & Nesser, 2015: 19). اما تحریک طالبان پاکستان، همان‌طور که در بالا ذکر شد، در برخورد با داعش دچار انشقاق شد و گروه‌های مختلفی از آن جدا شده و به داعش پیوستند - که پیش‌تر مورد بررسی قرار گرفتند. تعداد گروه‌های جدا شده از تحریک طالبان پاکستان و پیوسته به داعش آن‌قدر گسترده است که برخی منابع (عالیشاهی و دیگران، ۱۳۹۶؛ تسنیم، ۱۳۹۶: ۱۷ اردیبهشت؛ Mohamedou, 2018: 115-6) به اشتباه اعلام کرده‌اند که تحریک طالبان پاکستان با داعش بیعت کرده است (در این مورد، نک. جدول ۲).

جدول ۲. فهرست سازمان‌های جهادگرای پاکستان که با داعش بیعت یا همکاری کرده‌اند.

ردیف	نام سازمان	وابستگی قبلی	رابطه با داعش
۱	لشکر جهنگوی	القاعده	همکاری
۲	جماعت الاحرار	تحریک طالبان پاکستان	همکاری
۳	تحریک خلافت	تحریک طالبان پاکستان	بیعت
۴	جندالله	تحریک طالبان پاکستان	بیعت
۵	طالبان باجور	تحریک طالبان پاکستان	بیعت - همکاری
۶	گروه شاهدالله شاهد	تحریک طالبان پاکستان	بیعت
۷	گردان التوحید خراسان	تحریک طالبان پاکستان	بیعت
۸	سپاه صحابه	جماعت الامت اسلام	همکاری
۹	رهبران مجاهدین خراسان	تحریک طالبان پاکستان	همکاری
۱۰	لشکر اسلام	تحریک طالبان پاکستان	همکاری
۱۱	طالبان منطقه مرکزی	تحریک طالبان پاکستان	بیعت
۱۲	جنش اسلامی ازبکستان	القاعده	بیعت

۱. البته برخی نیز دیدگاهشان متفاوت است و معتقدند که رابطه بین دولت اسلامی خراسان و القاعده به اندازه رابطه این گروه با طالبان تنش‌آلود است (Sheikh, 2017: 45).

۱۳	برخی شاخه‌های منشعب از جماعت الدعوه	جماعت الدعوه	همکاری
۱۴	دولت اسلامی خراسان	-	بیعت

ج) همراهی برخی جهادگرایان مؤثر و روحانیون مشهور پاکستان با داعش

علاوه بر دو عامل بالا، حمایت روحانیون مشهور پاکستان از داعش از جمله مواردی است که باعث استقبال از گروه مذکور در این کشور شده است. جهادگرایان مؤثر و روحانیون مشهور پاکستانی که با داعش بیعت کرده‌اند عبارت‌اند از: ۱. حافظ سعید ارکزی، که قاضی محلی و رهبر سابق طالبان پاکستان در منطقه قبیله‌ای ارکزی بود. وی در اکتبر ۲۰۱۴ طالبان پاکستان را ترک کرد و به داعش پیوست. وی سرانجام در اوت ۲۰۱۶ در حمله پهپادهای امریکایی در استان ننگرهار افغانستان به هلاکت رسید؛ ۲. مولانا عبدالعزیز، که یکی از روحانیون برجسته و تأثیرگذار پاکستان است. وی آشکارا از داعش حمایت کرده است. وی در سال ۲۰۰۴ در یک فتوای جنجال‌برانگیز علیه ارتش پاکستان اعلام کرد که هر یک از سربازان و فرماندهان ارتش پاکستان که در جنگ با ستیزه‌جویان مسلمان کشته شود، شهید نیست؛ و ۳. شاه‌الله شاهد، سخنگوی سابق تحریک طالبان پاکستان بود. وی در ۶ اکتبر ۲۰۱۴ به همراه شش تن از دیگر فرماندهان طالبان پاکستان با داعش بیعت کرد. شاهد از بنیان‌گذاران تحریک طالبان پاکستان بود. همان‌طور که در بالا ذکر شد، ایشان در ۹ ژوئیه ۲۰۱۵ در ولایت ننگرهار افغانستان توسط پهپادهای امریکایی کشته شد (Basit, 2017: 33-4).

د) همدلی برخی شهروندان پاکستانی با داعش

با توجه به تمام دلایلی که پیش‌تر ذکر شده است، میان بخشی از جامعه مذهبی پاکستان و داعش نوعی همزادپنداری و همدلی ذاتی وجود دارد. از این رو، پیام بنیان‌گذاری خلافت داعش به‌تنهایی باعث جلب همدلی و حمایت‌های گروهی و انفرادی پاکستانی‌ها نظیر مشارکت در حملات تروریستی، تأمین نیروی انسانی، کمک مالی و تبلیغ دیدگاه‌های داعش در بخش‌های مختلف پاکستان شده است. برای مثال، گروهی از زنان ستیزه‌جوی حامی داعش در سال ۲۰۱۵ در کراچی به خاطر حمایت مالی، ازدواج، و توزیع جزوه‌ها و سی‌دی‌های حاوی تبلیغات داعش دستگیر شدند. اغلب اعضای این گروه از خانواده‌های تحصیل‌کرده و ثروتمند بودند. در یک مورد دیگر، بعد از بازداشت فرمانده داعش در کراچی به نام کامران گوجر (Kamran Gujjar)، شاخه زنان شبه‌نظامی این گروه از جمله همسر خود و همسر برادرش نیز که درگیر تأمین نیرو و تبلیغات برای داعش بودند، در ژانویه ۲۰۱۶ در کراچی دستگیر شدند. در دسامبر ۲۰۱۵ نیز شبکه‌ای از زنان افراطی به نام شبکه بشری (Bushra Network) در لاهور کشف شد که به نفع داعش تلاش می‌کردند. تحقیقات در مورد این شبکه نشان داد که یکی از حامیان داعش به اسم بشری چیما (Burshra Cheema) بیست‌ویک دختر پاکستانی را به سوریه منتقل کرده است. چیما که تحصیل‌کرده مطالعات اسلامی از دانشگاه پنجاب است، مدیریت یک مدرسه اسلامی در لاهور به

نام مرکز اسلامی نورالهدی (Noor-ul-Hudaa Islamic Center) را بر عهده داشت. ایشان از طریق شبکه‌های اجتماعی با عاملین داعش در سوریه رابطه داشت و اکنون با فرزندانش در سوریه زندگی می‌کند (Basit, 2017: 22).

ه) تردید دولت پاکستان در مورد تهدید داعش

دولت پاکستان به‌ویژه در ابتدای ظهور داعش در این کشور راهبرد مشخصی در برخورد با این پدیده نداشت. به عبارت دیگر، هرچند پاکستان در خط مقدم مبارزه با تروریسم است، اما به نظر می‌رسد هرگز نه از القاعده احساس تهدید کرده است نه از داعش (Pakistan Institute for Peace Studies, 2014: 45). این در حالی بود که بعد از ظهور داعش در عراق و وقوع چند عملیات تروریستی منتسب به این گروه در پاکستان، راحیل شریف فرمانده وقت ارتش پاکستان اعلام کرد که «ممکن است در پاکستان افرادی باشند که خواهان بیعت با داعش باشند، اما این پدیده بسیار خطرناکی است». وی هشدار داد که «حتی به سایه داعش نیز اجازه ورود به پاکستان را نمی‌دهیم» (the express tribune, 2015: October 3). با این حال، برخورد دولت با داعش و گروه‌های تحت تأثیر آن ضعیف بود. به نظر می‌رسد که نهادهای امنیتی این کشور نمی‌توانند تهدیدات تروریستی فراتر از طالبان پاکستان در مناطق قبایلی و سازمان‌های تروریستی فرقه‌گرا در سرزمین اصلی این کشور را ببینند (Pakistan Institute for Peace Studies, 2015: 5). این امر فرصت بزرگی در اختیار داعش قرار می‌داد که بدون ترس از برخورد جدی دولت، فعالیت خود در پاکستان و همکاری با گروه‌های تروریستی مستقر در این کشور را شروع کند. در مجموع، حتی اگر پنج عامل فوق‌الذکر بر اساس قانون علیت ارسطویی، علل موفقیت داعش در پاکستان نباشند، می‌توان طبق قاعده همبستگی هیوم نوعی همبستگی میان این پنج عنصر و دستاوردهای داعش در این کشور جست‌وجو کرد. به عبارت دیگر، هم‌زمانی ضعف تحریک طالبان پاکستان، همراهی گروه‌های جهادی این کشور با داعش، حمایت جهادگرایان مؤثر پاکستان از این گروه، همدلی شهروندان پاکستانی با داعش و ضعف نیروهای امنیتی، با موفقیت‌های داعش تصادفی نیست و نوعی همبستگی مثبت میان آن‌ها وجود دارد. با وجود این، نباید در مورد موفقیت‌های داعش در پاکستان اغراق کرد، زیرا در کنار عوامل تسهیل‌کننده بالا موانع مهمی نیز پیش روی داعش در این کشور وجود دارد که در قسمت بعدی به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۵- موانع موفقیت

عوامل متعدد ساختاری مانند مسلمان بودن پاکستانی‌ها، ضعف دولت پاکستان در کنترل قلمرو خود، حضور این کشور در هارتلند تروریسم و ... به همراه عناصر کارگزاری نظیر وجود گروه‌ها و سازمان‌های جهادگرای متعدد، امکان سربازگیری از بین مذہبی‌های پاکستانی، همدلی برخی از افراد در بدنه ارتش و دولت پاکستان با افراط‌گرایان و ... (که عمدتاً در بخش‌های بالا مورد

بررسی قرار گرفت)، این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که گویا مسیر داعش برای نفوذ در پاکستان هموار است، اما با توجه دقیق به شرایط محیطی و انسانی این کشور مشخص می‌شود که هر یک از عوامل فوق‌الذکر به نوبه خود می‌تواند کارکرد معکوس ایفا کرده و تبدیل به چالش جدی بر سر راه پیشرفت داعش شود. در ادامه، مهم‌ترین چالش‌های پیش روی داعش در پاکستان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) رقابت تحریک طالبان پاکستان

اولین و مهم‌ترین چالش پیش روی داعش، طالبان هستند. حضور داعش در پاکستان نه تنها خطر از دست دادن منابع مادی از جمله کمک‌های خارجی را برای طالبان در پی دارد، بلکه بر سربازگیری و جذب نیروی جدید آن نیز تأثیر می‌گذارد. اکثریت نزدیک به ده گروه شورشی که در مناطق قبیله‌ای پاکستان فعالیت دارند، به ملاً عمر وفادارند (و پس از مرگ وی، با جانشینان ملا عمر بیعت کرده‌اند). با این حال، به دلیل آنکه ابوبکر البغدادی خود را خلیفه تمام جهان اسلام اعلان کرده بود، برخی از گروه‌های نوپای وابسته به داعش در پاکستان، در مخالفت مستقیم با حامیان طالبان افغانستان قرار گرفتند. در این شرایط، طالبان هرگز به گروه‌های مذکور اجازه نمی‌دهند که ریشه‌دار شوند و در زمینه کسب منابع با آن‌ها رقابت کنند (ختک، ۱۳۹۳: ۷ عقرب). بنابراین، تحریک طالبان پاکستان اعلام کرد که گروه‌های منشعب و فرماندهانی را که با داعش بیعت کنند، اخراج می‌کند (Basit, 2017: 26). یک روز پس از اعلام وفاداری شاهدالله شاهد به داعش، ملاً فضل‌الله، رهبر تحریک طالبان پاکستان، با ارائه توضیحاتی برای طالبان افغانستان، عکس‌العمل نشان داد. فضل‌الله یک پیام کتبی و صوتی را منتشر کرد و در آن گمانه‌زنی‌ها در مورد وفاداری احتمالی گروهش به داعش را رد کرد و وفاداری تحریک طالبان پاکستان به ملاً محمد عمر، رهبر طالبان افغانستان را تجدید کرد (ختک، ۱۳۹۳: ۷ عقرب). علاوه بر این، ابوعثمان سالارزی در بیانیه‌ای از طرف تحریک طالبان پاکستان، اشتباهات البغدادی را برشمرد و ادعای خلافت او را رد کرد (Basit, 2017: 26). البته این مواضع محکم مانع جدایی برخی از فرماندهان و اعضای تحریک طالبان پاکستان نشد. افراد جدا شده از این گروه یا سازمان‌های جدید ایجاد کردند یا به دولت اسلامی خراسان پیوستند. با این شرایط طبیعی بود که میان تحریک طالبان پاکستان و دولت اسلامی خراسان رقابت ایجاد شود.

تحریک طالبان پاکستان چتر سازمانی طالبان در پاکستان است که شامل تمام جنبش‌هایی که به آن پیوسته‌اند و شاخه‌های منشعب از سایر جنبش‌ها می‌شود. دولت اسلامی خراسان نیز برای فعالیت در پاکستان از این الگو پیروی می‌کند. رهبری دولت اسلامی خراسان با کسانی است که از طالبان جدا شده‌اند. این به معنای نارضایتی آن‌ها از رهبری ارشد طالبان پاکستان و مبارزه علیه آن‌ها است. با توجه به شرایط موجود در پاکستان، به نظر می‌رسد که داعش و طالبان نمی‌توانند با هم متحد شوند، بلکه با رقابت و جنگ با یکدیگر خود را تضعیف می‌کنند، اما طالبان

کماکان در پاکستان قدرتمندتر از داعش است و حداکثر افرادی که طبق گزارش‌ها در افغانستان و پاکستان به داعش پیوسته‌اند هزار نفرند (Sheikh, 2017: 42-45)؛ بنابراین، بدبینی سران طالبان در پاکستان نسبت به داعش یکی از چالش‌های اصلی این گروه در کشور مذکور است (عالیشاهی و دیگران، ۱۳۹۶).

ب) احیای القاعده

از زمان ظهور داعش، دورنمای جهادگرایی در افغانستان و پاکستان اساساً متحول شد. داعش بر ذهن و فکر نسل جوان این دو کشور مسلط شد و این باعث نوعی تنش بین القاعده و داعش بر سر سربازگیری، منابع و وفاداری گروه‌های ستیزه‌جوی محلی شد (Basit, 2017: 19)؛ بنابراین، رهبری ارشد القاعده که در مناطق قبایلی پاکستان مستقر است در اغلب موارد منتقد داعش بوده است (Mitzcavitch, 2013: 9).

هرچند دستاوردهای داعش و اعلام خلافت آن باعث تضعیف القاعده در رقابت درونی جهادگرایان شد، اما این گروه تلاش کرده است که خود را احیا کند. در روند احیای القاعده عمدتاً نیروهای آن در یمن و سوریه فعال بوده‌اند (Lister, 2015: 11) و در پاکستان نیز، شاخه جدیدی از القاعده به نام القاعده شبه‌قاره هند (Al-Qaeda on the Indian Subcontinent or Al-Qaeda Bar-i-Sagheer) در سال ۲۰۱۴ شکل گرفت که به گفته ایمن الظواهری هدف آن عملیات در هند، پاکستان، میانمار و بنگلادش است (Sheikh, 2017: 47). با تشکیل القاعده شبه‌قاره هند برای اولین بار گروه القاعده درهای خود را به روی افراد و گروه‌های محلی باز کرد. این رفتار به خاطر نفوذ روزافزون داعش در بین گروه‌های تروریستی پاکستانی و افغانستانی رخ داد (Pakistan Institute for Peace Studies, 2014: 45). همچنین، القاعده برای مقابله با نفوذ داعش در پاکستان از مسائل محلی مانند مظلومیت مسلمانان کشمیر هند و میانمار استفاده کرد. در مقابل، داعش نیز مدل خلافت خود را به‌عنوان راه‌حل مقابله با این ستم‌ها پیش نهاد. با این حال، اغلب گروه‌های ستیزه‌جوی پاکستان هنوز هم از القاعده حمایت کرده و آن را به داعش ترجیح می‌دهند. رهبری القاعده با اعلام تشکیل شاخه خود در آسیای جنوبی به نام القاعده شبه‌قاره هند موفق شده است مدلی را به پیروان پاکستانی خود ارائه دهد که از مدل «غزوه هند» رقابتی‌تر است. علاوه بر این، ارجحیت مجاهدین محلی در رویکرد القاعده (برخلاف داعش) باعث برتری این گروه در نگاه ستیزه‌جویان پاکستانی شده است (Basit, 2017: 26-8).

رقابت میان القاعده و داعش در پاکستان ریشه در پیوندها و تفاوت‌های آن‌ها با همدیگر دارد. مهم‌ترین شباهت‌های داعش و القاعده عبارت‌اند از: ۱. هر دو از دل منازعه سر برآورده‌اند (القاعده از منازعه داخلی افغانستان و داعش از منازعه داخلی عراق)؛ ۲. شبه‌نظامیان فعال در هر دو گروه از ملیت‌های مختلفی هستند (که در مورد القاعده به «افغان‌های عرب» مشهور شدند و در مورد داعش به «جنگجویان خارجی»)؛ ۳. ابرقدرت‌ها به‌طور تدریجی، اما به صورت جدی درگیر

شرایط بوده‌اند (در مورد القاعده، تقابل امریکا و شوروی سابق و در مورد داعش، امریکا و روسیه)؛ ۴. بازیگران منطقه‌ای قدرتمند با دستورکارهای متعارض فعالیت کرده و با هم رقابت داشته‌اند (پاکستان و افغانستان در مورد القاعده؛ و ایران، عربستان، ترکیه و قطر در مورد داعش)؛ ۵. نوعی یویش مبتنی بر جنگ نیابتی در جریان بوده است (مجاهدین به نفع آی.اس.آی پاکستان در مورد القاعده؛ و تقابل حزب‌الله لبنان به نیابت از سپاه قدس ایران با تکفیری‌ها به نیابت از عربستان در مورد داعش)؛ ۶. شورشیان محلی قدرتمندی حضور داشته‌اند (ائتلاف شمال و طالبان در مورد القاعده؛ و تمام گروه‌های شیعه و سنی عراق و سوریه در مورد داعش)؛ و ۷. در هر دو مورد پیروزی‌های تاکتیکی پراکنده توسط گروه در حال ظهور باعث جهش‌های استراتژیک شده است (Mohamedou, 2018: 102-103).

اما عامل انتخاب داعش یا القاعده از سوی جهادگرایان پاکستانی به تفاوت‌های آن‌ها برمی‌گردد. مهم‌ترین تفاوت‌های میان القاعده و داعش در پاکستان عبارت‌اند از: ۱. درحالی‌که القاعده در مورد جهاد معتقد به جنگ بی‌امان میان مؤمنین حقیقی و کفار در آسیای جنوبی است، رویکرد داعش نسبت به جهاد بر محور تصرف سرزمین می‌چرخد؛ یعنی تشکیل خلافتی که بتواند به‌عنوان مبنای گسترش نفوذ فراملی به شکل ولایت‌های مختلف (از جمله ولایت خراسان شامل پاکستان) مورد استفاده قرار گیرد؛ ۲. داعش بر «دشمن نزدیک» (رژیم‌های مرتد خاورمیانه) تمرکز دارد، اما راهبرد القاعده هدف قرار دادن «دشمن دور» (امریکا و متحدان غربی آن) است؛ ۳. القاعده و داعش در مورد جانشین بر حق بن‌لادن نیز اختلاف دارند. درحالی‌که اولی ایمن الظواهری را محق می‌داند، دومی بر ابوبکر البغدادی تأکید دارد؛ ۴. القاعده برخلاف داعش با تاکتیک‌های خشونت‌آمیز علیه مسلمانان شیعه و سایر اقلیت‌های مذهبی مانند یزیدی‌ها و کردها نسبتاً مخالف است؛ ۵. القاعده رویکرد تدریجی به جهاد دارد و تشکیل خلافت را نقطه پایان جهاد می‌داند، اما داعش تشکیل خلافت را نقطه شروع جهاد می‌بندارد؛ ۶. درحالی‌که القاعده بر استفاده از جهادگرایان محلی در پیشبرد اهدافش تأکید دارد، رویکرد داعش در این زمینه فراملی‌گرایانه است (Basit, 2017: 25-6). مجموع این تفاوت‌ها باعث شد که القاعده صحنه رقابت جهادگرایان در پاکستان را به داعش واگذار نکرده و خود را احیا کند؛ بنابراین، می‌توان گفت دومین مانع عمده داعش برای پیشرفت در پاکستان، مقابله القاعده با این گروه و «سخنان ایمن الظواهری رهبر القاعده در نكوهش داعش» است (عالیشاهی و دیگران، ۱۳۹۶).

ج) رویکردهای متعارض سایر جهادگرایان پاکستان

سومین مانع عمده پیش روی داعش در پاکستان مانند دو مورد قبلی به جهادگرایان این کشور برمی‌گردد. علاوه بر دو گروه مهم القاعده و تحریک طالبان پاکستان، سایر گروه‌های کوچک‌تر جهادگرا در پاکستان نیز در مورد همراهی با داعش مواضع متفاوت و بعضاً متعارضی را در پیش گرفته‌اند؛ بنابراین، واکنش گروه‌های جهادگرای پاکستان به داعش را می‌توان به سه شیوه زیر

تقسیم‌بندی کرد: ۱. تجدید تعهد به ایدئولوژی‌های قدیمی و رد کرد داعش؛ ۲. همراهی با داعش؛ ۳. اتخاذ موضع فرصت‌طلبانه. این مواضع متفاوت ناشی از الگوهای گوناگون پیش روی آن‌ها است. هم‌اکنون سه مدل پیش روی جهادگرایان پاکستان وجود دارد: ۱. مدل «خلافت» داعش؛ ۲. مدل «غزوه هند» القاعده؛ و ۳. مدل «امارت اسلامی» طالبان (Basit, 2017: 25).

به عبارت دقیق‌تر، ظهور داعش باعث انشقاق در میان جهادگرایان پاکستان شد. گروه اول مانند القاعده و تحریک طالبان پاکستان پیام خلافت داعش را رد کردند (Basit, 2017: 26) - که در بالا به آن پرداخته شد. موضع گروه دوم در قبال داعش به وضعیت و جایگاه این گروه در بین جهادگرایان بستگی داشت؛ یعنی این گروه‌ها بررسی می‌کردند که کدام سازمان به‌عنوان برنده نهایی، رهبری جنبش جهاد جهانی را بر عهده می‌گیرد. سپس بر اساس وضعیت موجود تصمیم می‌گرفتند. برای مثال، خالد خراسانی رهبر یکی از گروه‌های منشعب از طالبان پاکستان به نام جماعت الاحرار بیعت خود با داعش را منوط به انتصاب وی به‌عنوان امیر ولایت خراسان کرد (Basit, 2017: 27). با این دیدگاه در حال حاضر که داعش از دوره طلایی خود فاصله گرفته و بسیاری از مناطق تحت سلطه خود را از دست داده است، تا حدود زیادی جایگاه رهبری خود را نیز واگذار کرده و ارزش پیروی و بیعت ندارد. علاوه بر این، تا سال ۲۰۱۶ گزارش‌های روزافزونی از فشار مالی داعش، برخورد سران ارشد در مورد فساد، سوءمدیریت و ... منتشر شد (Mueller & Stewart, 2016: 34) که همگی از جذابیت داعش برای جهادگرایان پاکستان می‌کاست. گروه سوم مانند جندالله نیز با داعش بیعت کردند که البته ممکن است بیعت خود را پس بگیرند. برای مثال، می‌توان به جماعت الاحرار یا طالبان باجور اشاره کرد که مدتی بعد از بیعت با داعش، آن را پس گرفتند. علاوه بر این، وجود همکاری بین یک گروه جهادگرا یا بخش‌هایی از آن با داعش را نباید معادل بیعت با داعش در نظر گرفت. در این مورد می‌توان همکاری بین بخش‌هایی از لشکر طیبه و دولت اسلامی خراسان را مثال زد که عمدتاً به خاطر ارتباطات شخصی میان رهبران این دو گروه در مناطق قبایلی پاکستان به وجود آمده است. هرچند امکان همکاری موقتی میان این دو گروه مانند حمایت از هم یا ارائه کمک لجستیکی به همدیگر وجود دارد، اما تصور ادغام کامل لشکر طیبه در دولت اسلامی خراسان دور از ذهن است (Sheikh, 2017: 43).

فارغ از این، داعش در پاکستان برای جذب جهادگرایان چالش‌های فراوانی پیش روی خود دارد که عبارت‌اند از: ۱. اغلب جهادگرایان پاکستان در بیعت با ملا عمر یا جانشینان وی هستند و نقض بیعت را مطلوب نمی‌دانند؛ ۲. اغلب جهادگرایان پاکستان از رویکرد دیوبندی - حنفی پیروی می‌کنند و این متفاوت با ایدئولوژی سلفی - تکفیری - جهادگرای داعش است؛ (Basit, 2017: 27)؛ و ۳. داعش باید ابتدا جنبش‌های ستیزه‌جوی موجود در پاکستان را متقاعد کند که خلافت و خلیفه را به رسمیت بشناسند و سپس باید آن‌ها را متقاعد کند که اکنون آخرالزمان است و

داعش همان ارتشی است که پیامبر (ص) وعده ظهور آن‌ها با پرچم‌های سیاه را داده است (Sheikh, 2017: 45). در اینجا نیز مشکل جدیدی برای داعش پیدا می‌شود و آن ناشی از این است که حدیث مذکور جزئیات طرح پرچم سیاه را بیان نمی‌کند. در نتیجه، گروه‌های جهادگرا بر اساس تفسیر خود پرچم‌های متفاوتی را طراحی کرده‌اند (Bahari & Hassan, 2014: 17) و ممکن است ادعا کنند که همان ارتش مدنظر پیامبر (ص) هستند.

د) عملیات و همکاری‌های بین‌دولتی

چهارمین مانع عمده پیش روی داعش برای نفوذ در پاکستان، حملاتی است که از سمت دولت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای علیه آن‌ها صورت می‌گیرد. اساساً در جامعه بین‌المللی این ایده وجود دارد که اگر کشورها در مقیاس جهانی با همدیگر همکاری کرده و فعالیت‌هایشان را با هم هماهنگ کنند، مبارزه علیه گروه‌های تروریستی فراملی مانند داعش و القاعده مؤثرتر است (Oliveira et al., 2018: 497). این قاعده تا حدود زیادی در مورد فعالیت داعش در پاکستان مورد تأیید واقع شده است. داعش در پاکستان با وجود تمام تلاش‌هایی که داشته هنوز نتوانسته است قدرت بگیرد. این امر ناشی از حملات امریکا، نیروهای افغان و پاکستان است (Pakistan Institute for Peace Studies, 2017: 176). به عبارت دقیق‌تر، می‌توان اذعان کرد که از نظر زمانی، شرایط موجود در پاکستان برای داعش زیاد مطلوب نبوده است، زیرا ارتش پاکستان بعد از ۲۰۱۵ در برخورد با گروه‌های ستیزه‌جوی ضددولتی بسیار قاطع عمل کرده است، اما در صورت داعش از تعدادی پیرو، همراه و رابط با گروه‌های ستیزه‌جوی ممنوع‌الفعالیت در پاکستان برخوردار است (Zaidi, 2016: 13).

علاوه بر عملیات نظامی، همکاری‌های امنیتی و دیپلماتیک پاکستان با قدرت‌های بزرگ نیز در مقابله با نفوذ داعش تأثیرگذار بوده است. به‌ویژه همکاری‌های امنیتی و دیپلماتیک پاکستان با امریکا و روسیه در خور توجه است. از نظر ایالات متحده، مزایای بالقوه همکاری اطلاعاتی با پاکستان به خاطر موقعیت منحصر به فرد نهادهای اطلاعاتی این کشور در زمینه جمع‌آوری اطلاعات در مورد گروه‌های جهادگرا به‌ویژه اطلاعات انسانی بسیار بالا است. در مقابل، چون برخی جهادگرایان مانند داعش یا القاعده امنیت پاکستان را تهدید می‌کند، تصمیم‌گیران پاکستانی نیز خواهان همکاری با امریکا هستند (Jensen, 2016: 533) و نتیجه این همکاری‌ها، کشته شدن بسیاری از سران جهادگرا در حملات پهپادهای امریکایی بوده است.

پاکستان و روسیه نیز به هدف مبارزه مشترک با تروریسم همکاری‌های دیپلماتیک و نظامی داشته‌اند. به‌طور مثال، مقامات رسمی بلندپایه این دو کشور در هفتمین اجلاس مشترک پاکستان و روسیه در مورد مبارزه با تروریسم در اسلام‌آباد با هم دیدار کردند. از نظر آن‌ها، با شکست داعش در سوریه و عراق نیروهای این گروه ممکن است به سمت کشورهای ثالث رفته و امنیت آنجا را تهدید کنند (financial express, 2018: March 21). از این رو، روسیه و پاکستان اعلام

کرده‌اند که با هدف مبارزه مشترک با خطرات داعش و تروریسم یک کمیته نظامی مشترک تشکیل می‌دهند (وان تی‌وی نیوز، ۲۰۱۸: ۲۱ فوریه).

هـ) نفرت از خشونت

خشونت‌های یک دهه گذشته که در جریان آن تعداد زیادی از غیرنظامیان توسط بمب‌گذاران انتحاری طالبان کشته شدند، اکثریت قریب به اتفاق مردم را از خشونت و ایدئولوژی‌های بنیادگرا دور کرده است. وضعیت داعش نیز تفاوتی با گروه‌های خشونت‌طلب سنتی پاکستان ندارد و اغلب مردم پاکستان پذیرای خشونت نیستند. به همین خاطر بود که هم‌زمان با نگرانی‌ها در مورد پیوستن جوانان به دولت اسلامی، شورای علمای پاکستان که یک نهاد مستقل علمای دینی از سراسر این کشور است، در هجدهم اکتبر داعش را محکوم کرد و از جوانان کشورهای اسلامی خواست، «با گروهی که آموزه‌ها و کردارهای آن علیه آموزه‌های اسلامی است، همکاری نکنند (ختک، ۱۳۹۳: ۷ عقرب).

علاوه بر این، تا زمانی که داعشی‌ها در عراق و سوریه اوج بودند، افراد جوانان و زنان در داعش در پاکستان تمایل به پیوستن به آن‌ها را داشتند، اما اکنون این‌گونه نیست. برای مثال، نورین لگاری دختری در ایالت سند که پدرش استاد دانشگاه است و خود او نیز در رشته پزشکی تحصیل می‌کند، دو ماه پیش با عده‌ای از انتحاری‌ها در لاهور بازداشت شد. وی در حال حاضر اعلام ندامت می‌کند و توضیح می‌دهد که از طریق فیس‌بوک، اغفال‌شده و اکنون کمپینی علیه داعش به راه انداخته است. غیر از وی، احسان الاحسان سخنگوی سابق طالبان نیز که بسیاری از عملیات خشونت‌آمیز نظیر حمله به آموزشگاه ارتش را از طرف طالبان قبول می‌کرد، اکنون علیه خشونت تبلیغ کرده و در همه‌جا به نفع دولت مصاحبه می‌کند (وبسایت موسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام، ۱۳۹۶: ۳۰ خرداد). نمونه‌هایی از این دست که مخالف خشونت هستند، در جامعه پاکستان رو به افزایش است. به نظر می‌رسد، هرچه قربانیان عملیات تروریستی بیشتر باشند نفرت از خشونت نیز در جامعه پاکستان تشدید می‌شود و این خود مانع رشد و سربازگیری داعش است.

و) رویکرد ملی‌گرایانه

آخرین مانع جدی داعش در پاکستان، ملی‌گرایی گسترده در این کشور است که از دولت‌مردان و نظامیان تا روشنفکران و مردم عادی، و حتی اغلب گروه‌های افراطی اسلام‌گرا را در برمی‌گیرد. این در حالی است که در ایدئولوژی داعش، ملی‌گرایی جایگاهی ندارد. یکی از نقاطی که این تفاوت دیدگاه میان پاکستانی‌ها و داعش برجسته می‌شود، مرز پاکستان و افغانستان است. داعش خط دیورند را به رسمیت نمی‌شناسد و خواهان اتحاد افغانستان و پاکستان است (Mahmood, 2015: 58)، در حالی که حتی اغلب جهادگرایان پاکستان نیز با این رویکرد مخالف‌اند. در سایر

موارد نیز، هیچ گروه قدرتمندی در پاکستان از هدف داعش برای ایجاد خلافت فراملی حمایت نکرده است و در مقابل، اغلب آن‌ها جنبش‌های شدیداً ملی‌گرا هستند (Sheikh, 2017: 47). برای مثال، گروه «تنظیم نفاذ شریعت محمدی» به دنبال تشکیل دولت اسلامی در بعد ملی است و این با رویکرد خلافت داعش همخوانی ندارد (Sheikh, 2017: 43). یا در نمونه‌ای دیگر، هدف اصلی و راهبردی لشکر طیبه مبارزه با هند و آزادسازی کشمیر است و اساساً در تضاد با هند دنبال اهداف ملی‌گرایانه است نه مقاصد فراملی‌گرای خلافت (Sheikh, 2017: 43)؛ که داعش آن را دنبال می‌کند.

با توجه به چالش‌های بالا می‌توان گفت که علاوه بر دو عنصر مدنظر جاستین جرج (یعنی اقدامات ضدتروریستی دولت هدف تروریسم و قرابت تروریست‌ها با جامعه هدف)، عوامل دیگری نیز می‌توانند در تأثیرگذاری و نفوذ تروریست‌ها در یک کشور نقش داشته باشند که مهم‌ترین آن‌ها رقابت میان گروه‌های تروریستی و جریان‌های همفکر آنان، سابقه خشونت‌ورزی گروه‌های تروریستی در یک جامعه، همبستگی ملی مردم جامعه هدف تروریسم و اقدامات ضدتروریستی جامعه بین‌المللی است.

در مجموع، به نظر می‌رسد که نقطه‌ضعف داعش در پاکستان درست در همان نقطه قوت آن قرار دارد. یعنی درحالی‌که تصور می‌شود فضای ایدئولوژیک و افراطی‌گری حاکم بر جهادگرایان پاکستان تسهیل‌گر نفوذ داعش در این کشور می‌شود، در بسیاری از موارد به صورت وارونه عمل کرده و مانع این امر می‌شود. این نکته در کنار تلاش دولت پاکستان برای مبارزه با داعش و نفرت بخش غالب جامعه پاکستان از خشونت باعث می‌شود که داعش با موانع جدی در ورود به این کشور مواجه شود.

۶- نتیجه‌گیری

هدف این مقاله بررسی تهدید واقعی داعش در پاکستان بود. برای رسیدن به این مهم از الگوی نظری جاستین جرج در باب رابطه تروریسم و دولت‌های ورشکسته استفاده شد. طبق دیدگاه وی، اقدامات ضدتروریستی دولت و قرابت تروریست‌ها با جامعه هدف در عملکرد تروریسم مؤثر است. هرچند به‌ندرت پاکستان را دولت ورشکسته تلقی می‌کنند، اما وقایع متعدد تروریستی به همراه فعالیت گروه‌های افراطی متعدد در برخی نقاط این کشور نشان‌گر عدم اراده اسلام‌آباد در کنترل قلمرو خود و محدودسازی فعالیت‌های تروریستی است. با این پیش‌زمینه، شناخت عوامل و موانع پیش روی فعالیت داعش در پاکستان برای ارزیابی ضریب نفوذ این گروه در کشور مذکور اهمیت می‌یابند.

مهم‌ترین عوامل موفقیت داعش در پاکستان عبارت‌اند از: الف) فترت تحریک طالبان پاکستان؛ ب) همراهی و بیعت برخی گروه‌های افراطی با داعش؛ ج) همراهی برخی جهادگرایان مؤثر و روحانیون مشهور پاکستان با داعش؛ د) همدلی برخی شهروندان پاکستانی با داعش؛ و ه) تردید

دولت پاکستان در مورد تهدید داعش. در مقابل، برجسته‌ترین موانع موفقیت داعش در پاکستان عبارت‌اند از: الف) رقابت تحریک طالبان پاکستان؛ ب) احیای القاعده؛ ج) رویکردهای متعارض سایر جهادگرایان پاکستان؛ د) عملیات و همکاری‌های بین‌دولتی؛ هـ) نفرت از خشونت؛ و) رویکرد ملی‌گرایانه.

با توجه به مجموع عوامل و موانع فوق، به نظر می‌رسد که نمی‌توان پاکستان را مقصد طبیعی داعش تلقی کرد، بلکه این گروه با موانع جدی برای نفوذ در این کشور مواجه است. علاوه بر این، تحول در هر یک از موارد فوق‌الذکر به معنای تغییر در پتانسیل تهدید داعش علیه پاکستان است. برای مثال، وقایع مهمی در حال حاضر در منطقه در جریان است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مذاکرات طالبان افغانستان با آمریکا و سایر کشورهای ذینفع، توافقات پاکستان و ایران برای مقابله با تروریسم فرامرزی، تشدید تنش در روابط هند و پاکستان با توجه به وقایع تروریستی در کشمیر، و قرار گرفتن مسعود اظهر رهبر گروه جیش محمد در فهرست تروریستی سازمان ملل - که پس از سال‌ها پیگیری هند محقق شد - اشاره کرد. این موارد همگی بر فعالیت گروه‌های تروریستی و افراطی در پاکستان تأثیر گذاشته و به نظر می‌رسد که به صورت غیرمستقیم فعالیت داعش در این کشور را نیز تحت‌الشعاع قرار خواهد داد.

با توجه به شرایط مذکور و نظر به اثرپذیری تمام کشورهای منطقه از فعالیت داعش در پاکستان، به نظر می‌رسد که مقابله با این گروه نیازمند هماهنگی و همراهی منطقه‌ای و اتخاذ رویکرد مستحکم در مقابله با این گروه است. هر گونه غفلت از داعش در شرایط جدید می‌تواند افغانستان و پاکستان را تبدیل به پایگاه طبیعی این گروه کرده و امنیت ایران را نیز تحت تأثیر قرار دهد. اکنون نیز نشانه‌هایی از این تهدید به ویژه در افغانستان به چشم می‌خورد.

کتابنامه

۱. خبرگزاری العالم (۱۳ خرداد ۱۳۹۷)، «امریکا داعش را به مرزهای افغانستان و پاکستان منتقل کرده است»، قابل مشاهده در:
<http://fa.alalam.ir/news/3598321/>
۲. خبرگزاری تسنیم (۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶)، «نفوذ داعش در پاکستان؛ (لشکر جهنگوی) و (تحریک طالبان) شرکای مهم این گروه تروریستی هستند»، قابل مشاهده در:
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/02/17/1400218/>
۳. ختک، داوود، (۷ عقرب ۱۳۹۳)، «آیا داعش در افغانستان و پاکستان برایش جای پا باز خواهد کرد؟» ترجمه حمید مهدوی، قابل مشاهده در:
<http://etilaatroz.com/15301/>
۴. رضانی بونش، فرزاد، (۱۱ میزان ۱۳۹۶)، «نگاهی گذرا به حضور داعش در پاکستان»، قابل مشاهده در:

<http://www.avapress.com/fa/article/150846/>

۵. عالیشاهی، عبدالرضا و دیگران (۱۳۹۶). بررسی دلایل حضور گروهک تروریستی-تکفیری داعش در افغانستان بر اساس تئوری دومینوی ویلیام بولیت. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۳(۱)، ۱۹۵-۱۷۳.

۶. وبسایت موسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام (۳۰ خرداد ۱۳۹۶)، «وضعیت و ویژگی داعش در پاکستان، گفت‌وگو با علی همدانی، کارشناس مسائل پاکستان»، قابل مشاهده در:

<http://www.iiwfs.com/islam-world/islam-world-interviews/800>

۷. وبسایت وان‌تی‌وی نیوز (۲۱ فوریه ۲۰۱۸)، «روسیه و پاکستان برای مبارزه مشترک با هراس-افغانانی چون داعش، اعلام آمادگی کردند»، قابل مشاهده در:

<http://www.1tvnews.af/fa/news/afghanistan/33487-2018-02-21-13-22-43>

۸. هیوود، اندرو. (۱۳۹۶). سیاست جهانی. ترجمه عبدالرحمن عالم. تهران: قومس.

References

1. Ahmed, Jibrán & Kay Johnson (2016) "Linked to Taliban and ISIS, Pakistani group seizes notoriety with bomb in park", March 28. Available on: <https://www.reuters.com/article/us-pakistan-blast-militants/linked-to-taliban-and-isis-pakistani-group-seizes-notoriety-with-bomb-in-park-idUSKCN0WU1F4>.
2. Alishahi, Abd Al-reza et al. (2017) "studying the reasons of ISIS presence in Afghanistan based on theory of William Buller". Geopolitics. Vol. 13, No. 1, pp. 173-195. (in persian)
3. Bahari, Mustazah & Muhammad H. Hassan (2014) "The Black Flag Myth: An Analysis from Hadith Studies", Counter Terrorist Trends and Analyses, Vol. 6, No. 8, pp. 15-20.
4. Basiri, Mohammadali et al. (2017) "studying ISIS security threats for Resistance Front and its impact on national security of I.R.Iran". Journal of Islamic Revolution Studies. Vol. 15, No. 38, pp. 7-26. (in persian)
5. Basit, Abdul (2017) "IS Penetration in Afghanistan-Pakistan Assessment, Impact and Implications", Perspectives on Terrorism, Vol. 11, No. 3, pp. 19-39.
6. Financial express (2018) "Pakistan, Russia express concern over growing ISIS threat", March 21. Available on: <https://www.financialexpress.com/world-news/pakistan-russia-express-concern-over-growing-isis-threat/1106821/>
7. George, Justin (2018) "State Failure and Transnational Terrorism: An Empirical Analysis"; Journal of Conflict Resolution. Vol, 62. No, 3. pp. 471-495.
8. Hegghammer, Thomas & Petter Nesser (2015) "Assessing the Islamic State's Commitment to Attacking the West", Perspectives on Terrorism, Vol. 9, No. 4, Special Issue on the Islamic State, pp. 14-30.

9. Heywood, Andrew (2017) *Global Politics*. Translated by Abd Al-rahman Alem. Tehran: Ghoomes. (in persian)
10. Jensen, Thomas (2016) "National Responses to Transnational Terrorism: Intelligence and Counterterrorism Provision", *Journal of Conflict Resolution*, Vol. 60, No.3, pp. 530-554.
11. Johnston, Patrick B. et al. (2016) *Foundations of the Islamic State: Management, Money, and Terror in Iraq, 2005-2010*. New York: RAND Corporation.
12. Khatak, D. (2014) 'will ISIL penetrate in Afghanistan and Pakistan?' translated by Hamid Mahdavi. *Foreign Policy*. Available in: <http://etilaatroz.com/15301/>. (In Persian)
13. Mahmood, Sara (2015) "Pakistan", *Counter Terrorist Trends and Analyses*, Vol. 8, No. 1, pp. 57-62.
14. Mitzcavitch, Andrew (2013) "Islamic State of Iraq Reaching into the Levant", *Counter Terrorist Trends and Analyses*, Vol. 5, No. 9, pp. 9-11.
15. Mohamedou, Mohammad-Mahmoud O. (2018) *A Theory of ISIS: Political Violence and the Transformation of the Global Order*. New York: Pluto Press.
16. Mueller, John & Mark G. Stewart (2016) "Misoverestimating ISIS Comparisons with Al-Qaeda", *Perspectives on Terrorism*, Vol. 10, No. 4, pp. 30-39.
17. Oliveira, Andre Rossi de et al. (2018) "Transnational Terrorism: Externalities and Coalition Formation", *Journal of Conflict Resolution*, Vol. 62, No.3, pp.496-528.
18. Pakistan Institute for Peace Studies (2014) *Pakistan Security Report*. Available on: <https://www.pakpips.com/article/book/pakistan-security-report-2014>.
19. Pakistan Institute for Peace Studies (2015) *Pakistan Security Report*. Available on: <https://www.pakpips.com/article/book/pakistan-security-report-2015>.
20. Pakistan Institute for Peace Studies (2016) *Pakistan Security Report*. Available on: <https://www.pakpips.com/article/book/pakistan-security-report-2016>.
21. Pakistan Institute for Peace Studies (2017) *Pakistan Security Report*. Available on: <https://www.pakpips.com/article/book/pakistan-security-report-2017>.
22. Ramezani Boonesh, F. (2017) a glance on ISIL presence in Pakistan', *Voice of Afghan News*, October 3. Available in: <http://www.avapress.com/fa/article/150846/>. (In Persian)
23. Rani, Mehwish (2016) "The Marketplace of Terrorist Ideas", August 31. Available on: <https://www.foreignaffairs.com/articles/pakistan/2016-08-31/marketplace-terrorist-ideas>.

24. Shahgholian Ghahfarrokhi, Reza & Rostami, Aliakbar (2016) “explaining ideological and structural bases of ISIS”. *Journal of Management System*. Vol. 15, No. 38, pp. 119-154. (in persian)
25. Sheikh, Mona K. (2017) “Islamic State Enters Al-Qaeda's Old Hotbed: Afghanistan and Pakistan”, *Connections*, Vol. 16, No. 1, pp. 37-49.
26. The express tribune (2015) “Would not allow even a shadow of Islamic State in Pakistan: army chief”, October 3. Available on: <https://tribune.com.pk/story/966695/would-not-allow-even-a-shadow-of-islamic-state-says-army-chief/>
27. Zahid, Farhan (2017) “IS Footprint in Pakistan: Nature of Presence, Method of Recruitment, and Future Outlook”, *Counter Terrorist Trends and Analyses*, Vol. 9, No. 5, pp. 9-12.
28. Zaidi, Syed Manzar Abbas (2016) “Reconstituting Local Order in Pakistan: Emergent ISIS and Locally Constituted Shariah Courts in Pakistan”, *Brookings: Local Orders Paper Series*. Available on: <https://www.brookings.edu/research/reconstituting-local-order-in-pakistan-emergent-isis-and-locally-constituted-shariah-courts-in-pakistan/>